
تأثیر وضعیت سازگاری اجتماعی بر گرایش به مادر شدن زنان (نمونه موردی زنان متأهل مرکز شهر تهران "منطقه ۶ و ۷")

فاطمه کاکویی^۱ و دکتر حبیب الله آقابخشی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر سازگاری اجتماعی بر گرایش به مادر شدن زنان انجام شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد. نمونه گیری به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شده است. برای سنجش از مقیاس سازگاری اجتماعی (SAS) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آمارهای توصیفی و استنباطی (آزمون گاما) استفاده شده است. از ۱۳ فرضیه مطرح شده ۱۰ فرضیه مورد تأیید واقع شده و ۳ فرضیه رد شده است که فرضیه های تأیید شده به قرار زیر هستند: بین وضعیت سازگاری اجتماعی زنان و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین وضعیت مناسبات اجتماعی رضایتمندانه و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین مناسبات رضایتمندانه با دیگران و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین برقراری ارتباط رضایتمندانه با افراد و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین وضعیت سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین مناسبات اجتماعی رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین برقراری ارتباط رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین برقراری ارتباط رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد. بین سازگاری اجتماعی در ایفای نقش شهروندی و گرایش به مادر شدن رابطه معناداری وجود دارد.

کلید واژه ها: سازگاری اجتماعی، مادر شدن، زنان متأهل

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۹

^۱ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران fatemekakoei@yahoo.com
^۲ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران Haghabakhshi7@gmail.com

سازگاری و هماهنگی فرد با خود و با محیط پیرامون خود و به طور کلی سطح ساختارهای جبری برای هر موجود زنده یک ضرورت حیاتی است و تلاش روزمره انسان‌ها نیز عموماً حول این محور اساسی دور می‌زند. هر انسانی می‌کوشد نیازهای گوناگون و گاه متعارض خود را در محیط زندگی‌اش برآورده سازد و این نیازها انسان را و او می‌دارد که با محیط پیرامون خود سازگار شود.

نهاد خانواده، جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می‌دهد که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد. در چنین تأثیر متقابلی، مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب و رسوم، ارزش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد. رشد کودکان در این نهاد نیز بیشتر متأثر از همین ارزش‌گذاری‌ها و گرایش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی است. از این رو خانواده به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد در ردیف سایر عوامل به شمار می‌رود. روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگرند. محله، مدرسه، خرده فرهنگ و فرهنگ گسترده تری که کودک در آن به سر می‌برد، در تجارب، گرایش‌ها و ارزش‌گذاری‌های وی و نیز در میزان آزادی که والدین به وی می‌دهند تأثیر می‌گذارند.

زندگی کودک از ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می‌شود. این ارتباط نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد و نخستین عامل رشد و تکامل وی به شمار می‌رود. به عنوان مثال: کندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره هوشی، کاهش میزان جنب و جوش، اختلالات حواس و... می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید. از این رو مادران نقش بسیار مؤثر و پررنگی در تربیت صحیح و سلامت روحی، اجتماعی و عاطفی فرزندان‌شان دارند؛ و همچنین اینکه یک زن در مرحله اول در خانواده پدری خود و به عنوان نقش دختری، در مرحله دوم در بدو ورودش به اجتماع به عنوان نقش شهروندی، و در مرحله سوم با ازدواجش به عنوان نقش همسری و در مرحله چهارم به عنوان نقش مادری باید لزوماً از سازگاری اجتماعی مناسب و رضایتمندانه بر خوردار باشد تا در ایفای صحیح این نقش‌ها با مشکل مواجه نشود.

بیان مسئله

با توجه به اینکه هر جامعه‌ای فرهنگ ارزشها، هنجارها، باورها، تکنولوژی و شرایط اجتماعی-محیطی خود را داراست و نیز میزان پایبندی به مسائل فرهنگی، محیطی با جوامع دیگر متفاوت است، سازگاری و هماهنگی فرد با خود و با محیط پیرامون خود و به طور کلی سطح ساختارهای جبری برای هر موجود زنده یک ضرورت حیاتی است و تلاش روزمره انسانها نیز عموماً حول این محور اساسی دور می‌زند. هر انسانی می‌کوشد نیازهای گوناگون و گاه متعارض خود را در محیط زندگی‌اش برآورده سازد و این نیازها انسان را و او می‌دارد که با محیط پیرامون خود سازگار شود.

نهاد خانواده، جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می‌دهد که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد. در چنین تأثیر متقابلی، مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب و رسوم، ارزش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد. رشد کودکان در این نهاد نیز بیشتر متأثر از همین ارزش‌گذاری‌ها و گرایش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی است. از این رو خانواده به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد در ردیف سایر عوامل به شمار می‌رود. روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگرند. محله، مدرسه، خرده فرهنگ و فرهنگ گسترده تری که کودک در آن به سر می‌برد، در تجارب، گرایش‌ها و ارزش‌گذاری‌های وی و نیز در میزان آزادی که والدین به وی می‌دهند تأثیر می‌گذارند.

زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می‌شود. این ارتباط نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد و نخستین عامل رشد و تکامل وی به شمار می‌رود. به عنوان مثال: کندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره هوشی، کاهش میزان جنب و جوش، اختلالات حواس و... می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید. از این رو مادران نقش بسیار مؤثر و پررنگی در تربیت صحیح و سلامت روحی، اجتماعی و عاطفی فرزندان‌شان دارند؛ و همچنین اینکه یک زن در مرحله اول در خانواده پدری خود و به عنوان نقش دختری، در مرحله

دوم در بدو ورودش به اجتماع به عنوان نقش شهروندی، و در مرحله سوم با ازدواجش به عنوان نقش همسری و در مرحله چهارم به عنوان نقش مادری باید لزوماً از سازگاری اجتماعی مناسب و رضایتمندانه بر خوردار باشد تا در ایفای صحیح این نقش ها با مشکل مواجه نشود. در نتیجه پژوهشگر بر آن است که در این پژوهش سازگاری اجتماعی زنان متأهل منطقه ۶ و ۷ تهران را که به مراکز تخصصی زنان و زایمان واقع در این مناطق (بیمارستانهای: آبان، حضرت زینب، میرزا کوچک خان و مادران) مراجعه می کنند را مورد سنجش قرار داد تا مشاهده نماید که وضعیت سازگاری این زنان چه تأثیری بر گرایش به مادر شدنشان دارد.

هدف های تحقیق

هدف اصلی

۱. تعیین تأثیر سازگاری اجتماعی بر گرایش به مادر شدن.

هدف های فرعی

۲. تعیین تأثیر مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بر گرایش به مادر شدن.
۳. تعیین تأثیر کنش متقابل رضایتمندانه بر گرایش به مادر شدن.
۴. تعیین تأثیر سازگاری با انتظارات جامعه بر گرایش به مادر شدن.
۵. تعیین تأثیر برقراری ارتباط رضایتمندانه با افراد بر گرایش به مادر شدن.
۶. تعیین تأثیر سازگاری اجتماعی در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) بر گرایش به مادر شدن.
۷. تعیین تأثیر سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری بر گرایش به مادر شدن.
۸. تعیین تأثیر مناسبات اجتماعی رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) بر گرایش به مادر شدن.
۹. تعیین تأثیر مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری، بر گرایش به مادر شدن.
۱۰. تعیین تأثیر کنش متقابل رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) بر گرایش به مادر شدن.
۱۱. تعیین تأثیر برقراری ارتباط رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) بر گرایش به مادر شدن.
۱۲. تعیین تأثیر برقراری ارتباط رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری بر گرایش به مادر شدن.
۱۳. تعیین تأثیر سازگاری اجتماعی در ایفای نقش شهروندی بر گرایش به مادر شدن.^۱

هدف کاربردی

نتایج این پژوهش می تواند در زمینه های مختلفی نظیر سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان، مرکز امور بانوان، شورای فرهنگی زنان در سازمانهای مختلف، شورای سلامت شهرداری ها، دانشجویان رشته هایی نظیر مطالعات خانواده، مطالعات زنان، مامایی، علوم اجتماعی و مددکاری اجتماعی مفید واقع می شود.

چهارچوب نظری

در اینجا پژوهشگر به لزوم سنجش ۱۳ فرضیه براساس نظریه روانی اجتماعی اریک اریکسون و نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو می پردازد:

در دیدگاه اریک اریکسون، تلاش و تقلای هویت در هشت برهه در زندگی صورت می گیرد که هر برهه شامل برخورد و ضدیت اعداد است. سنتر، ناپختگی و رضایت خاطر را به همراه دارد و ناتوانی در حل تعارض ها به در خود فرورفتگی و ناسازگاری می انجامد. او اعتقاد دارد حل تعارضها (که سازگاری را به دنبال دارد) بهنجار و قابل پیش بینی هستند. حل

۱. برای سنجش نقش فرزندی، همسری و شهروندی از مقیاس سازگاری اجتماعی (SAS) استفاده شده که در پیوست نمونه آن ارائه شده است.

موفقیت آمیز این بحرانه‌ها به قابلیت و توانایی جدیدی در فرد می‌انجامد، که می‌شود از این توانایی و قابلیت به سازگاری اجتماعی یاد کرد.^۱

فرضیه‌های "سازگاری اجتماعی، کنش متقابل رضایتمندانه با دیگران، سازگاری با انتظارات جامعه و برقراری ارتباط رضایتمندانه با افراد به نوعی از این نظریه"^۲ پیروی می‌کنند.

نیاز به احترام بر اساس نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو ارائه شده است به این گونه که وقتی مردم احساس کنند که مورد محبت هستند و از احساس تعلق برخوردارند، بعد در آنها نیاز به احترام ایجاد می‌شود. اکنون آنها نیازمند احترام، هم از سوی خودشان به صورت احساس خود ارزشمندی، هم از سوی دیگران به شکل مقام خوب داشتن، شناخته شدن، موفقیت اجتماعی، شهرت... هستند. بنابراین، دو نوع احترام به نیاز وجود دارد: یکی نیاز به عزت نفس و دیگری نیاز به احترام از سوی مردمان دیگر. برآورده شدن نیاز به عزت نفس، به شخص اجازه می‌دهد تا نسبت به قابلیت خود ارزشمندی و کار آنها خود احساس اطمینان کند، در نتیجه چنین احساسهایی فرد، ممکن است در تمام جنبه‌های زندگی خود کارآمدتر و مولدتر باشد.

فرضیه‌های "مناسبات اجتماعی رضایتمندانه و سازگاری اجتماعی در ایفای نقش شهروندی"، به نوعی از این نظریه پیروی می‌کنند.

زمانی که نیازها بر اساس نظریه مزلو تا مرحله چهارم برآورده شده مرحله بعدی (پنجم) شخص آماده است تا به سوی مرحله‌نهایی رشد، یعنی خود شکوفایی، تحقق و برآورده کردن همه قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه خود حرکت کند. شخص باید به چیزی تبدیل شود که از توانایی بالقوه آن برخوردار است و یا می‌تواند برخوردار باشد. حتی اگر همه چهار دسته نیازهای پیشین ارضاء شده باشد، شخصی که خود شکوفا نشده، یعنی نیروهای بالقوه خود را بکار نگرفته است، باز هم ناراضی و بی‌قرار خواهد بود، و این احساس ناکامی ادامه خواهد یافت." ادامه پیدا کردن این احساس مساوی است با ناسازگاری."

فرضیه‌های سازگاری "اجتماعی در خانه پدری، مناسبات اجتماعی رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی، کنش متقابل رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی، ارتباط رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی به نوعی از این نظریه پیروی می‌کنند." (مزلو، ۱۹۸۷؛ به نقل از شادمان اصل، میتر. ص ۱۰۰).

نیازهای فیزیولوژیکی و نیاز به ایمنی در نظریه سلسله مراتب مزلو ارائه شده است. این نیازها تا زمان بلوغ اتفاق می‌افتد و مربوط به دوران بزرگسالی نیست. نیازهای اساسی شامل: "غذا، آب، هوا، خواب و جنس مخالف" است که در طبقات مختلف فرق می‌کند. بزرگسالان بهنجار و سالم عموماً این نیاز را به خوبی برآورده کرده‌اند. ارضای این نیاز مستلزم امنیت، ثبات، حمایت، ساختار نظم و رهایی از ترس و اضطراب است که در کودکان و خردسالان نیازهای ایمنی با بیشترین وضوح دیده می‌شود.

فرضیه‌های "سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری، مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش شهروندی، برقراری ارتباط رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری" به نوعی از این نظریه پیروی می‌کنند.

نیازهای تعلق داشتن و عشق در هرم سلسله مراتبی نیازهای آبراهام مزلو بیان شده است. وقتی نیاز فیزیولوژیکی و ایمنی فرد به شکل معقول و به خوبی برآورده شد در او نیازهای تعلق داشتن و عشق ایجاد میشود. که این احساس تعلق داشتن و عشق به انواع شکلها نمایش داده می‌شود: از طریق روابط دوستانه با دیگران، از طریق رابطه با یک دوست خاص، با نامزد یا همسر، یا از طریق موقعیت یا مکانی در میان یک گروه خاص و یا در کل جامعه. مزلو عشق را با رابطه جنسی (یک نیاز خالص فیزیولوژیکی) برابر نمی‌داند. اما تصدیق می‌کند که رابطه جنسی یک شیوه ابراز نیاز به عشق است. شکست در برآورده کردن نیاز به عشق، به اعتقاد مزلو، یکی از علت‌های بنیادی ناسازگاری است. او می‌گوید که عطش عشق یک بیماری نارسایی است.

۱. زمینه روانشناسی هیلگارد: اتکینسون و همکاران.

۲. نظریه روانی اجتماعی اریک اریکسون.

روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی و از نوع پیمایشی استفاده شده است. پژوهش توصیفی به پدیده‌هایی می‌پردازد که به صورت طبیعی رخ می‌دهند و در آن هیچ دستکاری آزمایشی صورت نمی‌گیرد.

در این پژوهش نیز پژوهشگر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنت و جمع‌آوری اطلاعات مربوط توانست فرضیه‌های خود را که شامل ۱۳ فرضیه می‌شود تدوین و آنگاه با یک مطالعه میدانی که از طریق پرسشنامه (مقیاس سازگاری اجتماعی "SAS") صورت گرفته است به جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها بپردازد. ذکر این نکته نیز ضروری است که در این پژوهش، پژوهشگر مطالعه خود را روی گروه‌هایی که از قبل به صورت طبیعی شکل گرفته بودند انجام داده است و هیچ گروهی به صورت مصنوعی یا آزمایشی شکل نگرفته است. روند استفاده از روش تحقیق

در این پژوهش از دو روش اسنادی و توصیفی استفاده شده است. در مرحله اول زمان انتخاب موضوع از روش کتابخانه‌ای برای آگاهی یافتن در مورد سازگاری اجتماعی و همچنین گرایش به مادر شدن و مسائلی که در رابطه با این موضوع‌ها وجود دارد، استفاده شده است؛ پس از انتخاب موضوع بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری منابع و اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است.

در ادامه کار دو مسئله مورد بررسی قرار گرفت: مورد اول خصوصیات و جوانب موضوع انتخاب شده و مورد دوم روش‌های تحقیقی که می‌توانست به گردآوری اطلاعات و اثبات یا رد فرضیات تحقیق کمک کند.

جامعه آماری پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش متشکل از کلیه زنان متأهلی که در بیمارستان‌های (آبان، حضرت زینب، میرزا کوچک خان، مادران) واقع در مرکز شهر تهران (منطقه ۷ و ۶) در سال ۱۳۹۱ حضور داشته‌اند به صورت تخمین تعداد ۴۰۰ نفر می‌باشند. لازم به ذکر است که این بیمارستان‌ها مرکز جامع تخصصی زنان و زایمان می‌باشند.

حجم نمونه و روش اندازه‌گیری

براساس بررسی‌های انجام شده مشخص شد بهترین روشی که می‌تواند در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از جامعه آماری مورد استفاده قرار گیرد روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم جامعه مورد مطالعه به دست آمد، که برابر است با ۱۹۶ نفر؛ که به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده افراد انتخاب شده‌اند و ابزار سنجش نیز مقیاس سازگاری اجتماعی (SAS) است که براساس عنوان پژوهش یک سری سؤال‌ها حذف گردیده و ۲ پرسش به منظور سنجش میزان گرایش و تمایل زنان به مادر شدن نیز به آن اضافه شده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه (مقیاس سازگاری اجتماعی "SAS") استفاده شده است. از این مقیاس برای سنجش سازگاری بیماران و افراد سالم به طور گسترده استفاده می‌شود.

مبنای نظری و محتوای عبارات به کار رفته در آزمون از مصاحبه ساخت دار و نمره گذاری شده گرنند برای ارزیابی ناسازگاری و مطالعات تجربی اولیه به وسیله پی کل^۱ و ویسمن^۲ در سال ۱۹۹۹ گرفته شده است. این مقیاس روابط بین فردی را در نقش‌های مختلف، شامل احساسات، رضایت، اختلاف، و عملکرد ارزیابی می‌کند. ساختار آزمون دو بعد را نشان می‌دهد:

1. Paykel
2. Myrna M. Weissman

۶ حوزه نقشی (مانند: کاری، خانوادگی) و ۵ بعد از سازگاری که برای هر کدام از حوزه نقش‌ها (متناسب با نقش) انتخاب شدند. مقیاس سازگاری اجتماعی در ابتدا به عنوان برنامه مصاحبه تهیه و سپس به یک آزمون خود سنجی تبدیل شده است.

پایایی

در مورد ۱۵ بیمار افسرده، هم بستگی بین پاسخ‌های بیماران در ابزار خود سنجی و درجه بندی داده شده توسط همسر یا دیگر اطلاع دهندگان ۷۴٪ و همبستگی بین بیمار و ارزیابی‌های مصاحبه گر ۷۰٪ بود. بیماران خودشان را بیمارتر از مصاحبه گر رتبه بندی کردند. نمرات مقیاس خود سنجی و نسخه مصاحبه مقیاس سازگاری اجتماعی برای ۷۶ بیمار افسرده ۷۲٪ هم بستگی داشت. توافق برای بخش‌های مختلف از ۴۰٪ تا ۷۶٪ رتبه بندی شد. توافق بین ارزیابها برای نسخه مصاحبه برای ۳۱ بیمار تعیین شد؛ ارزیاب‌ها به طور کامل در ۶۸٪ همه موارد با بیش از ۲۷٪ رتبه‌ها در یک بخش با همدیگر توافق داشتند. همبستگی‌های ارزیاب‌ها در طی همه موارد به طور متوسط ۸۳٪ بود.

همبستگی‌های کلی آزمون حوزه‌های نقشی مختلف بین ۰۹٪ و ۸۳٪ برای اجرای مصاحبه‌گری مقیاس سازگاری اجتماعی درجه بندی شد. ضریب آلفای کرونباخ ۴۷٪ و متوسط پایایی باز آزمایی ۸۰٪ گزارش شد. همچنین ضریب آلفا برای نسخه خود سنجی در پژوهشی که در ژاپن انجام شده ۷۳٪ بوده است.

روایی

نمرات مقیاس سازگاری اجتماعی با سن، طبقه اجتماعی، جنس، یا سابقه افسردگی قبلی (N=76) همبستگی معناداری نداشت، به عبارت دیگر نمرات آزمودنی‌ها در این مقیاس از وضعیت اجتماعی - جمعیتی تأثیر نمی‌پذیرد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که زنان بیشتر از مردان در نسخه خودسنجی مقیاس سازگاری اجتماعی دچار اختلال هستند، ولی با توجه به سن و نژاد تفاوتی در نمرات مشاهده نشد. نتایج تحلیل عاملی برای نسخه مصاحبه، ۶ عامل را مشخص کرد: عملکرد شغلی، اختلاف بین فردی، ارتباط منع شده، وابستگی سلطه پذیر، دلبستگی خانوادگی، و اضطراب. این عوامل چهارچوب اساس محتوای دو بعدی آزمون را تشکیل دادند. ویسمن و همکاران همبستگی بین این مقیاس و دیگر مقیاس‌های سلامت روان را گزارش کرده‌اند، که حاکی از اعتبار همزمان مقیاس سازگاری اجتماعی است.

در این پژوهش به منظور سنجش جامعه آماری براساس عنوان اصلی پژوهش صلاح در این دیده شده که یک سری از سؤال‌ها مقیاس (SAS) تقلیل داده شود که این سؤال‌ها به قرار زیر است:

قسمت مربوط به دانش آموزان سئوالات ۱۳ تا ۱۸

قسمت مربوط به اوقات فراغت سئوالات ۱۸ و ۲۹

قسمت مربوط به فرزندان و خانواده سئوالات ۴۷ تا ۵۳

و ۲ سؤال به منظور ارزیابی زنان در مورد گرایش به مادر شدن در انتهای پرسشنامه اضافه شده است. و در کل مقیاس سنجیده شده از ۴۲ سؤال تشکیل شده است. که در پیوست نمونه اصلی مقیاس و نمونه سنجش شده آورده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از روشهای آماری زیر استفاده شده است:

۱. روشهای آمار توصیفی: محاسبه (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، میانه و مد).

۲. روشهای آمار استنباطی: محاسبه ضریب گاما

ضریب گاما یک آماره‌ی ناپارامتری برای داده‌های رتبه‌ای یا ترتیبی است که از طریق آن می‌توان با آگاهی از پاسخ‌های مربوط به یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته اقدام به پیش‌بینی کرد.

جهت تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار "SPSS" استفاده شده است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

۱. بین وضعیت سازگاری اجتماعی و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
- فرضیه های فرعی:
۲. بین وضعیت مناسبات اجتماعی رضایتمندان و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۳. بین وضعیت کنش متقابل رضایتمندان با دیگران و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۴. بین وضعیت سازگاری با انتظارات جامعه و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۵. بین وضعیت برقراری ارتباط رضایتمندان با افراد و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۶. بین وضعیت سازگاری اجتماعی در خانه ی پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۷. بین وضعیت سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۸. بین مناسبات اجتماعی رضایتمندان در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۹. بین مناسبات اجتماعی رضایتمندان بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۱۰. بین کنش متقابل رضایتمندان در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۱۱. بین برقراری ارتباط رضایتمندان در خانه پدری در نقش فرزندی (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۱۲. بین برقراری ارتباط رضایتمندان بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.
۱۳. بین سازگاری اجتماعی در ایفای نقش شهروندی و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد.

یافته ها

در این پژوهش ۱۳ سؤال و متعاقب آن ۱۳ فرضیه ارائه شده است، که از این ۱۳ فرضیه ۱۰ فرضیه تائید و ۳ فرضیه رد شده است:

براساس جدول شماره ۱، فرضیه اول و " بین وضعیت سازگاری اجتماعی زنان و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد." طبق نتایج به دست آمده از سنجش این فرضیه به وسیله آزمون گاما، با قبول خطای کمتر از ۰/۱۰ درصد و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۹ درصد فرضیه تائید شد.

جدول ۱: وضعیت سازگاری اجتماعی زنان و گرایش به مادر شدن

جمع	میزان سازگاری اجتماعی زنان			میزان گرایش زنان به مادر شدن
	پایین	متوسط	بالا	
۴۵	۱۴	۱۴	۱۴	کم
٪۳۳/۳	٪۲۳/۶	٪۳۱/۱	٪۷۷/۸	
۲۱	۱۲	۸	۱	متوسط
٪۱۵/۶	٪۱۶/۷	٪۱۷/۸	٪۵/۶	
۶۹	۴۳	۲۳	۳	زیاد
٪۵۱/۱	٪۵۹/۷	٪۵۱/۱	٪۱۶/۷	
۱۳۵	۷۲	۴۵	۱۸	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

Gamma=0/414

Sig=0/001

براساس جدول شماره ۲، فرضیه دوم "بین وضعیت مناسبات اجتماعی رضایتمندانه و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق آزمون گاما این فرضیه با درجه اطمینان بیش از ۰/۹۵ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد تائید شد.

جدول ۲: وضعیت مناسبات اجتماعی رضایتمندانه و گرایش به مادر شدن

میزان گرایش زنان به مادر شدن	میزان مناسبات اجتماعی رضایتمندانه			جمع
	زنان			
	پایین	متوسط	بالا	
کم	۸	۷	۱۲	۲۷
	%۶۱/۵	%۲۱/۹	%۲۴	%۲۸/۴
متوسط	۳	۱۰	۱۲	۲۵
	%۲۳/۱	%۳۱/۳	%۲۴	%۲۶/۳
زیاد	۲	۱۵	۲۶	۴۳
	%۱۵/۴	%۴۶/۹	%۵۲	%۴۵/۳
جمع	۱۳	۳۲	۵۰	۹۵
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

Gamma=0/301

Sig=0/043

براساس جدول شماره ۳، فرضیه سوم "بین وضعیت کنش متقابل رضایتمندانه با دیگران و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق آزمون گاما این فرضیه با درجه اطمینان بیش از ۰/۹۵ و با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد تائید شد.

جدول ۳: وضعیت کنش متقابل رضایتمندانه با دیگران و گرایش به مادر شدن

میزان گرایش زنان به مادر شدن	میزان کنش متقابل رضایتمندانه زنان			جمع
	میزان کنش متقابل رضایتمندانه زنان			
	پایین	متوسط	بالا	
کم	۶	۹	۵	۲۰
	%۵۴/۵	%۲۵/۷	%۲۱/۷	%۲۹
متوسط	۳	۸	۳	۱۴
	%۲۷/۳	%۲۲/۹	%۱۳	%۲۰/۳
زیاد	۲	۱۸	۱۵	۳۵
	%۱۸/۲	%۵۱/۴	%۶۵/۲	%۵۰/۷
جمع	۱۱	۳۵	۲۳	۶۹
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

Gamma=0/401

Sig=0/018

براساس فرضیه چهارم "بین وضعیت سازگاری با انتظارات جامعه و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای بدست آمده این فرضیه با خطای بیش از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ درصد رد می شود. براساس فرضیه پنجم "بین برقراری ارتباط رضایتمندانه با افراد و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۵ درصد تائید می شود.

جدول ۴: وضعیت سازگاری با انتظارات جامعه و گرایش به مادر شدن

میزان گرایش زنان به مادر شدن	میزان برقراری ارتباط رضایتمندانه			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
کم	۱۱	۲۹	۱۸	۵۸
	%۵۷/۹	%۳۴/۱	%۲۲/۸	%۳۱/۷
متوسط	۲	۱۷	۲۰	۳۹
	%۱۰/۵	%۲۰	%۲۵/۳	%۲۱/۳
زیاد	۶	۳۹	۴۱	۸۶
	%۳۱/۶	%۴۵/۹	%۵۱/۹	%۴۷
جمع	۱۹	۸۵	۷۹	۱۸۳
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

Gamma=0/242

Sig=0/028

بر اساس فرضیه ششم " بین وضعیت سازگاری اجتماعی زنان در خانه ی پدری در نقش فرزند (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای بدست آمده این فرضیه با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ درصد تأیید نمی شود.

بر اساس فرضیه هفتم " بین وضعیت سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۹ درصد تأیید می شود.

جدول ۵: وضعیت سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن

میزان گرایش زنان به مادر شدن	میزان سازگاری اجتماعی زنان بعد از ازدواج در نقش همسری			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
کم	۱۶	۱۳	۲۴	۵۳
	%۶۹/۶	%۲۳/۶	%۳۰/۴	%۳۳/۸
متوسط	۲	۱۷	۹	۲۸
	%۸/۷	%۳۰/۹	%۱۱/۴	%۱۷/۸
زیاد	۵	۲۵	۴۶	۷۶
	%۲۱/۷	%۴۵/۵	%۵۸/۲	%۴۸/۴
جمع	۲۳	۵۵	۷۹	۱۵۷
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

Gamma=0/326

Sig=0/006

بر اساس فرضیه هشتم " بین مناسبات اجتماعی رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزند (دختری) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۹ درصد تأیید می شود.

بر اساس فرضیه نهم " بین مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۵ درصد تأیید می شود.

براساس فرضیه دهم "بین کنش متقابل رضایتمندانه در خانه ی پدری در نقش فرزندى (دخترى) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای بیشتر از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ درصد تأیید نمی شود.

براساس فرضیه یازدهم "بین برقراری ارتباط رضایتمندانه در خانه ی پدری در نقش فرزندى (دخترى) و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای به دست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۵ درصد تأیید شد.

براساس فرضیه دوازدهم "بین برقراری ارتباط رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای بدست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۵ درصد تأیید شد.

براساس فرضیه سیزدهم "بین سازگاری اجتماعی در ایفای نقش شهروندی و گرایش به مادر شدن رابطه وجود دارد". طبق گامای بدست آمده این فرضیه با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد و درجه اطمینان بیشتر از ۰/۹۹ درصد تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

سازگاری و هماهنگی با خود و محیط پیرامون برای هر موجود زنده ای یک ضرورت حیاتی است و تلاش روزمره انسانها نیز معمولاً حول این محور اساسی دور می زند. هر انسانی می کوشد نیازهای گوناگون و گاه متعارض خود را در محیط زندگی خود بر آورده سازد و این نیازها انسانها را وا می دارند با محیط پیرامون خود سازگار شوند. این نیازهای فطری و اکتسابی آدمی را بر می انگیزانند و در جهت تأمین نیازها و بدست آوردن تعادل و آرامش در زندگی به حرکت در می آورند. اگر رفتار فردی را از طلوع خورشید تا غروب آفتاب در نظر بگیرید، در می یابید که بیشتر رفتارهای او معطوف به برآورده ساختن نیازهای جسمانی، روانی یا اجتماعی می باشند. بنابراین فرآیند انگیزختگی نیازها از آغاز پیدایش انسان تاکنون تداوم داشته است. به این فرآیند انگیزختگی و ارضاء یا تأمین آنها در یک مفهوم کلی سازگاری گفته می شود.

از نظر تاریخی، مفهوم سازگاری محتوایی زیست شناختی دارد که نظریه تکامل داروین^۱ بر آن اساس بنا شده است. بر این اساس، صرفاً جاندارانی زنده می مانند که بتوانند به نحو مطلوب و مناسب با رویدادهای محیطی دائماً در حال تغییر انطباق پیدا کنند. قسمت عمده ای از رفتار انسان را می توان براساس رفتارها و انطباق های او با انواع مختلف خواسته های جسمانی تعیین کرد. اما درست همانگونه که انسان با خواسته های جسمانی خود انطباق حاصل می کند، با خواسته های اجتماعی - روانی که در فرآیندهای تعامل با سایرین در جامعه پدیدار می شوند، سازگاری می کند. رفتار انسان را می توان به عنوان سازگاری نسبت به خواسته هایی که در اصل اجتماعی - روانی هستند در نظر گرفت. این خواسته ها می توانند درونی یا بیرونی باشند که گاه جنبه ی فطری دارند و همراه با نطفه بندی انسان پدیدار می شوند مانند نیاز به غذا خوردن و گاه در سیر زندگی پدید می آیند و سازگاری نسبت به محیط را ایجاد می کنند. از نظر اجتماعی و روان شناختی، می توان گفت آن دسته از خواسته هایی که به واسطه موجودیت اجتماعی بوجود می آیند از اهمیت بیشتری برخوردارند.

خواسته ها در اوایل دوران کودکی ساده و عمدتاً فیزیولوژیکی هستند مانند غذا، آب، اکسیژن و ...؛ اما طی دوران نوجوانی و بزرگسالی که همراه با اجتماعی شدن هستند، این نیازها ظریف تر و پیچیده تر می شوند. فرمانبرداری از این نیازها و خواسته ها منجر به تأیید و پیامدهای مثبت و عدم فرمانبرداری از آنها منجر به عدم تأیید و پیامدهای منفی می شود. سازگاری را میتوان به عنوان حالتی از زندگی تعریف کرد که فرد کم و بیش با نیازهای شخصی، اجتماعی، زیست شناختی و با خواسته های محیط فیزیکی هماهنگی دارد. به طور خلاصه، می توان گفت، که سازگاری نوعی رابطه کامل با محیط است که شامل ارضای رضایتمندانه ی تمام انواع نیازهای فرد و برآورده ساختن اکثر خواسته هایی است که به وی تحمیل می شود. با توجه به مسائل فوق، حال می بایست دید انسانها تا چه اندازه قدرت سازگاری دارند؟ و یا اینکه انسانها با این همه نیروهای انگیزشی درونی و بیرونی و موانع و مشکلات گوناگون موجود در راه ارضای آنها، به مقابله بر می خیزند؟ البته سازگاری امری نسبی

است و انسانها به درجات مختلف به آن نایل می شوند. در فرآیند سازگاری اجتماعی، شخص تلاش می کند در تقابل با محیط، نیازها و خواستههای شخصی خود را برآورده سازد. در عین حال، محیط نیز بر او فشار می آورد یا او را در جریانها یا مسیرهایی قرار می دهد تا به روش و سبک خاصی رفتار نماید. بنابراین این میزان سازگاری از حاصل ضرب نیازها و خواستههای شخصی و خواستههای اجتماعی یا محیطی به دست می آید.

مادر شدن اتخاذ یک نقش جدید در زندگی است که تا قبل از این زمان افراد هیچ گاه چنین تجربه ای نداشته اند و لازم است که زنان با این تغییرات و نقش های جدید سازگار شوند. بخش عمده مادر شدن و متعاقبا وظیفه فرزند پروری را غریزه های ما یا به عبارتی پاسخ های درونی ما انجام می دهند. استفاده کردن از این غریزه ها یا همان پاسخ های درونی نیاز به سازگاری و انطباق با محیط پیرامون دارد تا بتواند به شایسته ترین گونه عمل شود. حتی عامیانه ترین تعبیرات نیز حاکی از آن است که مادر شدن مستلزم داشتن مهارت های بسیار است. آنچه که ضرورت دارد، درک و برداشت گسترده تری از مفهوم آماده سازی برای مادر شدن و نیز همچنین پیدایش گرایش توام با رضایت به منظور قبول نقش مادری است؛ در عین حال ضرورت دارد که دانسته شود آیا سازگار شدن با محیط پیرامون میتواند این آماده سازی و گرایش را در زنان به وجود آورد یا خیر؟ منظور از محیط پیرامون در اینجا شامل هم خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی است، که محیط خانواده را هم قبل از ازدواج و هم بعد از ازدواج، در بر می گیرد و هم اجتماع و محیط بیرون از خانواده را که شامل هم محیط های تحصیلی، فضاهای عمومی، محیط شغلی و... می شود.

در اینجا پژوهشگر به لزوم سنجش ۱۳ فرضیه براساس نظریه روانی اجتماعی اریک اریکسون و نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو می پردازد:

در دیدگاه اریک اریکسون، تلاش و تقلای هویت در هشت برهه در زندگی صورت می گیرد که هر برهه شامل برخورد و ضدیت اعداد است. سنتز، ناپختگی و رضایت خاطر را به همراه دارد و ناتوانی در حل تعارضها به در خود فرورفتگی و ناسازگاری می انجامد. او اعتقاد دارد حل تعارضها (که سازگاری را به دنبال دارد) بهنجار و قابل پیش بینی هستند. حل موفقیت آمیز این بحرانها به قابلیت و توانایی جدیدی در فرد می انجامد، که می شود از این توانایی و قابلیت به سازگاری اجتماعی یاد کرد.

فرضیه های "سازگاری اجتماعی، کنش متقابل رضایتمندانه با دیگران، سازگاری با انتظارات جامعه و برقراری ارتباط رضایتمندانه با افراد" به نوعی از این نظریه پیروی می کنند.

نیاز به احترام بر اساس نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو ارائه شده است به اینگونه که وقتی مردم احساس کنند که مورد محبت هستند و از احساس تعلق برخوردارند، بعد در آنها نیاز به احترام ایجاد میشود. اکنون آنها نیازمند احترام، هم از سوی خودشان به صورت احساس خود ارزشمندی، هم از سوی دیگران به شکل مقام خوب داشتن، شناخته شدن، موفقیت اجتماعی، شهرت... هستند. بنابراین، دو نوع احترام به نیاز وجود دارد: یکی نیاز به عزت نفس و دیگری نیاز به احترام از سوی مردمان دیگر. برآورده شدن نیاز به عزت نفس، به شخص اجازه می دهد تا نسبت به قابلیت خود ارزشمندی و کار آنها خود احساس اطمینان کند، در نتیجه چنین احساسهایی فرد، ممکن است در تمام جنبه های زندگی خود کارآمدتر و مولدتر باشد.

فرضیه های "مناسبات اجتماعی رضایتمندانه و سازگاری اجتماعی" در ایفای نقش شهروندی، به نوعی از این نظریه پیروی می کنند.

زمانی که نیازها براساس نظریه مزلو تا مرحله چهارم برآورده شده مرحله بعدی (پنجم) شخص آماده است تا به سوی مرحله نهایی رشد، یعنی خود شکوفایی، تحقق و برآورده کردن همه قابلیتها و تواناییهای بالقوه خود حرکت کند. شخص باید به چیزی تبدیل شود که از توانایی بالقوه آن برخوردار است و یا می تواند برخوردار باشد. حتی اگر همه چهار دسته نیازهای پیشین ارضاء شده باشد، شخصی که خود شکوفا نشده، یعنی نیروهای بالقوه خود را بکار نگرفته است، باز هم ناراضی و بی قرار خواهد بود، و این احساس ناکامی ادامه خواهد یافت. "ادامه پیدا کردن این احساس مساوی است با ناسازگاری".

فرضیه های سازگاری "اجتماعی در خانه پدری، مناسبات اجتماعی رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی، کنش متقابل رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی، ارتباط رضایتمندانه در خانه پدری در نقش فرزندی به نوعی از این نظریه پیروی می کنند.

نیازهای فیزیولوژیکی و نیاز به ایمنی در نظریه سلسله مراتب مزلو ارائه شده است. این نیازها تا زمان بلوغ اتفاق می افتد و مربوط به دوران بزرگسالی نیست. نیازهای اساسی شامل: "غذا، آب، هوا، خواب و جنس مخالف" است که در طبقات مختلف فرق می کند. بزرگسالان بهنجار و سالم عموماً این نیاز را به خوبی برآورده کرده اند. ارضای این نیاز مستلزم امنیت، ثبات، حمایت، ساختار نظم و رهایی از ترس و اضطراب است که در کودکان و خردسالان نیازهای ایمنی با بیشترین وضوح دیده می شود.

فرضیه های "سازگاری اجتماعی بعد از ازدواج در نقش همسری، مناسبات اجتماعی رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش شهروندی، برقراری ارتباط رضایتمندانه بعد از ازدواج در نقش همسری" به نوعی از این نظریه پیروی می کنند. نیازهای تعلق داشتن و عشق در هرم سلسله مراتبی نیازهای آبراهام مزلو بیان شده است. وقتی نیاز فیزیولوژیکی و ایمنی فرد به شکل معقول و به خوبی برآورده شد در او نیازهای تعلق داشتن و عشق ایجاد میشود. که این احساس تعلق داشتن و عشق به انواع شکلها نمایش داده می شود: از طریق روابط دوستانه با دیگران، از طریق رابطه با یک دوست خاص، با نامزد یا همسر، یا از طریق موقعیت یا مکانی در میان یک گروه خاص و یا در کل جامعه. مزلو عشق را با رابطه جنسی (یک نیاز خالص فیزیولوژیکی) برابر نمی داند. اما تصدیق می کند که رابطه جنسی یک شیوه ابراز نیاز به عشق است. شکست در برآورده کردن نیاز به عشق، به اعتقاد مزلو، یکی از علت‌های بنیادی ناسازگاری است. او می گوید که عطش عشق یک بیماری نارسایی است.

پیشنهادات

۱. ایجاد بستری سالم و "سازگار" به منظور پرورش فرزندان سالم و سازگار بالاخص دختران به منظور قبول مسولیت در نقش مادری در آینده.
۲. آموزش ارتباط متقابل صحیح والدین با فرزندان به منظور برقراری مناسبات فردی و اجتماعی درست و رضایتمندانه.
۳. ارتقای معیارهای مادر شدن در جامعه "به وسیله آموزش در مدارس، دانشگاه ها و رسانه های جمعی .
۴. بررسی و آماده سازی از منظر سازگاری اجتماعی برای مادر شدن در مدارس و دانشگاه ها و رسانه های جمعی. ۵۳ - آماده سازی از منظر سازگاری اجتماعی پیش از زایمان در مراکز بهداشتی و درمانی.
۵. برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی خودشناسی و سازگاری "به منظور ایفای صحیح نقش مادری" برای زنان زیر نظر وزادت بهداشت و درمان، بهزیستی، آموزش عالی و ...

Impact on attitudes to motherhood of women's social adjustment of status (married women of Tehran downtown area "6 and 7")

Fateme kakoei¹, Dr. Habibe Aghabakhshi²

Abstract:

The sampling method is simple random sampling. In order to measure women's social adjustment Social Adjustment Scale (SAS) was used. There is a significant relationship between women and motherhood in social attitudes. Consensual relationships between people and tends to be a mother, there is a significant relationship. The social adjustment of status after marriage roles as wives and mothers tend to have a meaningful relationship. Satisfying social relationships between the parents of the child (a girl) and there is a significant relationship tends to be a mother. After satisfying marriage between social role as wives and mothers tend to have a meaningful relationship. Satisfying the communication between the parents of the child (a girl) and there is a significant relationship tends to be a mother. Consensual relationship between the spouses after marriage and motherhood tends to have a meaningful relationship. The role of citizenship and social adjustment tends to be a mother, there is a significant relationship.

Keyword: Social adjustment – Motherhood – Married Women

1. ROUDEHEN University, Faculty of Social Sciences, ROUDEHEN, Iran fatemekakoei@yahoo.com

2. ROUDEHEN University, Faculty of Social Sciences, ROUDEHEN, Iran Haghabakhshi7@gmail.com

منابع

فارسی

- احمدی، ب و همکاران. (۱۳۸۶). **سیمای سلامت زنان ۱ (کلیات)**. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- اشتاینبرگ، ل. (۱۳۸۷). **ده اصل ثابت فرزند پروری**، مهنوش عابر، تهران، انتشارات رشد.
- برناردز، ج. (۱۳۸۴). **درآمدی به مطالعات خانواده**، (ترجمه حسین قاضیان). تهران، نشر نی.
- پیرسان، پ. (۱۳۷۹). **قدرت خانواده**، تهران، نشر دایره. ریتزر، جرج. نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی (۱۳۷۴). انتشارات علمی.
- ساروخانی، با. (۱۳۷۰). **دایره المعارف علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات کیهان.
- شادمان اصل، م. **بررسی سازگاری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن**، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۸۳-۱۳۸۲.
- شیلی هاید، ج (۱۳۸۲). **روانشناسی زنان**. اکرم خمسه، تهران، آگه، ارجمند.
- صالحی امیری، ر. (۱۳۸۹). **آینده پژوهی مسائل خانواده**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کوئن، ب (۱۳۸۲). **مبانی جامعه شناسی**. (ترجمه غلامعباس توسلی - رضا فاضل). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- گنجی، ح. (۱۳۸۲). **بهداشت روانی**، تهران: نشر ارسباران.
- ملکی، د. **بررسی رابطه بین ارزشهای فردی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر منطقه ۱۸ شهر تهران**. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۷۷-۱۳۷۶.
- میرزایی، خ (۱۳۸۸). **پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نقشبندی، س. **هنجاریابی آزمون سازگاری بل روی دانشجویان مستقر در شهر تهران**. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۷۸-۱۳۷۷.

فهرست سایت ها

- <http://www.hamshahrr.net/news/sid>
- www.mihanblog.com
- شبکه ملی مدارس - رشد www.roshd.com
- پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت www.navideshahed.com
- ویکی پدیا دانشنامه ی آزاد Wikipedia.org
- شبکه آموزش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران) tv7.ir
- پایگاه اطلاع رسانی SID
- بانک مقالات فارسی
- سایت پزشکان ایران

- Stein, A. (2012). Maternal cognitions and Mother-Infant Interaction in postnatal Depression and Generalized Anxiety Disorder, *Journal of Abnormal Psychology*. doi:10.1037/a0026847.
- B. Brooks. (1997). Parenting. Manufactured in United States of America. Jane-
- Wolf, M. D. (1934). A Study of Some Relationships Between Home Adjustment and the Behavior of Junior College Students. *Journal of Social Psychology*. 17: 275-86.